



www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۸ مهر ۱۴۰۰ ۲۳ صفر ۱۴۴۳ ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۱

سال نوزدهم • شماره ۴۱۰۹ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۱۵۴:۰۰ • اذان مغرب ۱۸:۰۸

اذان صبح فردا ۴:۳۶ • طلوع آفتاب ۵:۵۹

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فروا

بندر رحمان‌لو در جنوب شرقی دریاچه ارومیه در سال‌های اخیر کاملاً خشک شده و تمام امکانات رفاهی آن تخریب شده است. عکس: علی‌حامد حدّ‌دوست، فارس



زیر آسمان جهان

مواجه شدند که مستقیماً متأثر از تصمیمات دولت ویتنام در سخت‌گیری‌های گروانی است. نیروی کار ارزان و قوانین آسان کاری ویتنام این کشور را به بهشتی برای برندهای مصروف جهانی تبدیل کرده است. بعد از تجربه خوب برندهای پوشاک اکنون کمپانی‌های مختلفی ویتنام را به محل استقرار کارخانه‌های‌شان تبدیل کرده‌اند. حالا اما لاک‌داون‌های طولانی‌مدتی که دولت ویتنام در نظر گرفته موجب شده تا تولید کارخانه‌ها بسیار کم شده

کووید ولاک‌داون طولانی‌مدت ویتنام بلای جان صنعت پوشاک

به‌تازگی گزارشی منتشر شده که نشان می‌دهد در نتیجه همه‌گیری کووید۱۹ در دنیا بسیاری از عرصه‌ها تحت تأثیر قرار گرفته است؛ از جمله صنعت پوشاک دنیا. البته صنعت پوشاک بیش از هر چیزی بابت قرنطینه طولانی‌مدت ویتنام است که دچار شوک‌هایی شده. در حال حاضر کمپانی‌هایی همچون نایکی و گپ با کمبود محصول در بازار

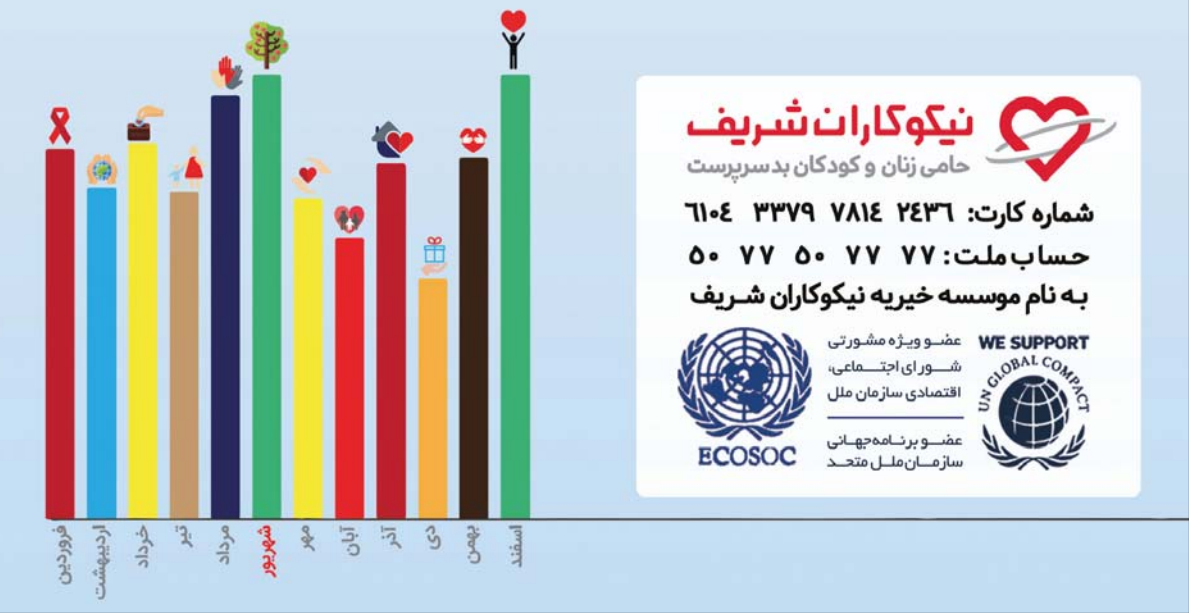
گزارش عملکرد شهریور ماه ۱۴۰۰

هفته اول

- اهدای گسترده سبد کالا
- انجام برنامه های چکاپ دوره ای و خدمات درمانی
- اهدای سیسمونی به مادران مددجو
- اهدای لوازم ضروری منزل به مددجویان
- افتتاح بانک نفس در ایرانشهر

هفته دوم

- اهدای گوشت و مواد پروتیینی در میان مدجویان
- برگزاری جلسات کاردرمانی کودکان سی پی
- برگزاری نمایشگاه صنایع دستی زنان سرپرست خانوار
- برگزاری کارگاه خیاطی زنان سرپرست خانوار



نیکوکاران شریف حامی زنان و کودکان بدسرپرست

شماره کارت: ۶۱۰۴ ۳۳۷۹ ۷۸۱۴ ۲۴۳۶

حساب ملت: ۵۰ ۷۷ ۵۰ ۷۷

به نام موسسه خیریه نیکوکاران شریف



همسایه‌ها

چشم‌بند به جای چراغ راه

آیین گمراهان



بهروز غریب‌پور

سال ۱۳۷۱ گذارم به لاهور پاکستان افتاد و از کراچی تا لاهور و سفر ۲۳ساعته زمینی و با قطار مسافراتی را دیدم که فقط می‌توان در خواب‌های آشفته دید؛ انواع گدایان، انواع گدایی، کوبه‌های قطار که از فرط میزان مسافر در راهروها به شکل غریبی در هم تنیده بودند، قطاری که هزار بار برای تجدید وضو می‌ایستاد و جماعت مسافران لول‌هنگ به دست پیاده و سوار می‌شدند. انبوه دیش‌های ماهواره پیر بام‌های کپری روستاهای مسیر و ده‌ها اتفاق و صحنه‌های بهت‌آور وادارم می‌کرد که پاکستان را با هند که غالب شهرهایش را دیده بودم، مقایسه بکنم؛ شباهت‌ها و تفاوت‌های بسیار دیدم اما به محض رسیدن به لاهور تا آنجایی که می‌توانستم این شهر آشفته و عجیب و غریب را زیر پا گذاشتم تا بدانم در این آتش درهم‌جوش چه خبر است، در این سرزمین متضادها چه می‌گذرد. بر سر مزار مولانا اقبال لاهوری زنان و مردانی را دیدم که با مزار ساده این شاعر بزرگ همچون قدیسی آداب بجا می‌آوردند و تا فاصله دوری، پس از خواندن فاتحه، به مزار پشت نمی‌کردند. شاید آن زنان و مردان می‌دانستند که مولانا اقبال لاهوری این ابیات را سروده است:

مرد و زن وابسته یکدیگرند

کائنات را شوق را صورت‌گرند

زن نگهدارنده تار حیات

فطرت او لوح اسرار حیات

حتی اگر نمی‌دانستند حتما می‌دانستند که او دوستدار صلح و دشمن کین‌توزی و جنگ بوده است:

حربه دون همتان کین است و بس

زندگی را این یک آیین است و بس

چشم و گوش و لب گشای او هوشمند

گر نبینی راه حق بر من بختد

به مکتب‌خانه‌هایی سرگ کشیدم و از پسران خردسال فیلم گرفتم که با ریتم و حرکت خم و راست شدن بر لوح به قرائت و تواشیح مشغول بودند؛ خبری از دختران مسلمان در این مکتب‌خانه‌ها نبود، اما با فاصله یکی دو کیلومتر آن طرف‌تر دخترانی با لباس متحدالاشکل می‌دیدم که با اتوبوس و همراه با پسران همکلاس‌شان به مدرسه می‌رفتند. خلاصه هر آنچه متضاد نبود در لاهور دیدم ولی باورم این بود که این سرزمین که نخست‌وزیرش یک بانوی سیاستمدار بی‌نظیر بوتو – است، به زنان فرصت خواهد داد تا در کنار همسالان یا بدون آنها نه‌تنها از قرآن بلکه از هر دانشی برخوردار شوند و چه تصور اشتباهی داشتم که پاکستان فقط آن بخش از وجود و باورش را به همسایه می‌بخشد که بوی کهنگی و نا می‌دهد. پس از سفر و دیدن آن سرزمین متضادها در ذهنم مانده بود که من چرا تصورم این بوده که در مکتب‌خانه‌های ایرانی و عرب دختران و پسران با هم به مکتب‌خانه می‌رفت‌اند و به دنبال سندی بودم که چنین تصور و تصویری را ثابت کند. تا اینکه زمان آماده‌سازی اپرای لیلی و مجنون فرا رسید و من یادم افتاد که هم در استان لیلی و مجنون به روایت نظامی گنجوی و هم محمد فضولی تکرزبان عشق میان این دو دل‌داده از مکتب‌خانه آغاز می‌شود و آن سند گمشده در ذهنم را دوباره یافتم:

شد چشم پدر به روی او شاد

از خانه به مکتبش فرستاد

دادش به دبیر دانش‌آموز

تا رنج بر او برد شب و روز

هر کودکی از امید و از بیم

مشغول شده به درس و تعلیم

با آن پسران خرد پیوند

هم لوح نشسته دختری چند!!!!

هریک ز قبیل‌های و جایی

جمع آمده در ادب سرایی

خوشبختانه زمانی که در قرن هفتم هجری قمری زندگی می‌کرد از تربیت غربی خبری و اثری نبود و اگر بود تحجر و عقب‌ماندگی اجتماعی زنان بود که قطعاً مردمان مسلمان این خطه از آن خبری نداشتند. ممکن است کسی بگوید شاید نظامی مسلمان نبوده یا از فقه اسلامی بی‌خبر بوده، این تصور هم غلط است چراکه نظامی گنجوی به علوم ادبی، نجوم، فلسفه، علوم

همسایه‌ها

چشم‌بند به جای چراغ راه

آیین گمراهان

اسلامی و فقه، کلام و زبان عربی احاطه کامل داشته و اتفاقاً منشأ داستان لیلی و مجنون از ادبیات عرب است. نکته دیگر خاستگاه فردوسی یعنی غزنی است که در خراسان بزرگ واقع است و اگر نخواهیم پافشاری کنیم که گنجه و غزنی روزگاری نه‌چندان دور جزئی از خاک ایران بوده و دربست فردوسی را افغان بدانیم همین بزرگ‌مرد نگه‌دارنده کاخ زبان و اساطیر پارسی نطفه عشق تهمینه به رستم را در سرزمین سمنگان می‌بندد که امروز در جنوب شرقی خلم در ولایت مزارشریف واقع است:

یکی دخت شاه سمنگان منم

ز پشت هئیر و پلنگان منم

...

به گیتی ز شاهان مرا جفت نیست

چو من زیر چرخ کبود اندکی ست

کس از پرده پیرون ندیده مرا

نه هرگز کس آوا شنیده مرا

این هم دلیل دیگری از کم‌نظیربودن یک داستان هزارساله که شاهزاده‌ای از سرزمینی که امروز افغانستان نامیده می‌شود به پهلوانی چون رستم ابراز دلدادگی می‌کند و سهراب، زاده این وصلت عاشقانه است... می‌خواهم نتیجه بگیرم که اندیشه طالبان در تحقیر و تحدید و تنزل‌دادن مقام زن و حتی منع‌کردن دختران از رفتن به مدرسه ردیای استعمارگران است و مطلقاً نه نه گذشته پیش از اسلام آنها و نه بعد از اسلامشان ربطی ندارد. فرض بگیریم که آنها آن‌چنان که در حکومت کم‌دوام‌شان مجسمه‌های بودا را به نشانه شرک منفجر کردند، این قبیل داستان‌ها را باقی‌مانده دوران جاهلیت بدانند، آیا قدر و قیمت و میزان تأثیر بانوان صدر اسلام را در روند قدرت‌گیری اسلام افسانه و بازمانده دوران جاهلیت می‌دانند؟ و از میان همه آن بانوان عالم، فهیم، دلاور و آینده‌نگر، فقط بانو خدیجه را که به شریعت آنها نزدیک است، از دایره زنان خارج می‌کنند؟ آیا می‌توان به اتکای فتوای چند به‌ظاهر مفتی عقب‌مانده از قافله بشریت، دورمانده از هرگونه ترقی و تعبیر امروزی از دین، اسلام را متمم کرد که با دانش‌آموختن زنان مخالف است؟ اگر احتیاج به سند و مدرک دارند که ذهن آنها در تسخیر استعمارگران است و در کشور همسایه بخش تاریک و تحریف‌شده دین را به آنان آموخته‌اند، سفیرانی را به اروپا، آسیا و آمریکا بفرستند و فقط آمارگیری کنند که چه تعداد زن در معاملاتی که غرب با آنها انجام می‌دهد یا چه تعداد زن در فروش وسایل نقلیه و تسلیحاتی که آنها برای سرکوب و به‌عنوان مسلمانان پاک و مطهر با آنها به سرکوب مردم می‌پردازند مشارکت دارند؟ البته این مشارکت در چهل و جنگ امتیاز محسوب نمی‌شود ولی تنها نمونه‌ای از هم‌ترازبودن انسان‌هاست در جنگ و صلح. چگونه است که در دوحه قطر می‌توان دختران خانواده‌های طالب را به مدرسه و دانشگاه فرستاد اما در افغانستان آنها را در خانه محبوس کرد «تا مسلمان باقی بمانند!». اگر نون والقلم و ما یسטרון در مورد مردان نازل شده و قلم و علم نوشتن با قلم و یادگیری از این راه فقط برای آنها مجاز است، دلیل و برهانش را به ما بیاموزند تا ما هم در باورهایمان تجدیدنظر کنیم. من ایمان دارم که سرمایه‌داری طالب طالبان عقب مانده است تا ششیر جان این ملت ستمدیده را بکشد و اگر در مقابل رفتار جاهلانه آنها و ایجاد مانع برای مشارکت تمام مردم و به‌خصوص زنان افغانستان در شکل‌گیری یک جامعه پیشرفته هستند، سکوت کرده‌اند، هیچ علتی جز این ندارد که توحش و جهل و خرافه و تعابیر نادرست از دین به آنها اجازه غارت می‌دهد در حالی که داشتن مکتب‌خانه‌هایی به همان شیوه متداول در زمانه نظامی گنجوی یا داشتن زنان شجاعی چون تهمینه سد راه آنهاست. ابلیس استعمار هر دوران به شکلی ظاهر می‌شود و این بار در جامه به‌ظاهر دیندارانی که شرع را نه چراغ، بلکه چشم‌بند مردمان کرده‌اند تا چرخ سرمایه‌اندوزان ضد بشریت تندر بگیرد. آنها پدیدآورندگان سوزنه‌های فیلم‌های مروج تحقیر شرق هالیوودند و... به باور من آن بخش از جامعه جهانی که ستم محروم‌کردن زنان از تحصیل را می‌بینند و دم نمی‌زنند به مراتب بدتر از عاملان این ستم هستند و فقط به جمع‌آوری خورد و خوراک چادر و سرپناه و آورده‌اند، رفیق قافله و شریک دزدند، از هر کجا که باشند. زنده‌ماندن اما جاهل‌ماندن به هیچ هم نمی‌ارزد.

زمین سبز

آلودگی هوا عامل ۶ میلیون زایمان زودرس در سال

وزن ایدئالی ندارند، بیشتر احتمال دارد در زندگی به انواع بیماری‌ها دچار شوند. همچنین زایمان زودرس علت اصلی مرگ‌ومیر نوزادان در سراسر جهان است. متخصصان آمریکایی اظهار کردند: بار و پیامدهای ناشی از آلودگی هوا بسیار زیاد است اما با تلاش کافی می‌توان اثرات منفی این معضل را تا حد زیادی کاهش داد. این گروه از محققان دریافتند اگر میزان آلودگی هوا در جنوب شرق آسیا و صحرای آفریقا به حداقل برسد، زایمان زودرس و تولد نوزادانی با وزن کم تقریباً ۷۸ درصد کاهش می‌یابد. این مناطق بالاترین نرخ زایمان زودرس در جهان را دارند.

نکته

قدرت گفتار پدرسالارانه

مهدی نوریان

● در شماره دیروز، یادداشتی با عنوان «کارنامه اعمال یک زالو» به قلم من منتشر شد که درواقع تلاشی بود برای ارائه خوانشی جامعه‌شناختی از فیلم مستند ۱۷دقیقه‌ای بهمن کیارستمی با نام «زالو» که در چند روز اخیر مناقشه‌برانگیز بوده است. از آنجایی که بخشی از آن یادداشت در صفحه‌بندی جا ماند، با توضیحی کوتاه آن بخش را اینجا می‌آورم. تلاش کردم توضیح دهم که به نظر من باید از اخلاقی‌کردن و فردی‌کردن این فیلم به‌شدت پرهیز کرد و به ابعاد اجتماعی آن نظر افکند. مهم‌ترین منظری که مدنظر دارم قدرت گفتار پدرسالارانه در جامعه ایرانی است و فکر می‌کنم باید بیش‌ازپیش به این اندیشید که ببینید این گفتار ظالمانه چقدر در جامعه عمیق است و ریشه دوانده که کردارهای کسی همچون عباس کیارستمی را نیز می‌سازد و نه‌تنها بر جامعه بلکه بر خانه او نیز سایه افکنده است. ببینید چطور این گفتار به خانه یکی از روشنفکران آن جامعه نیز راه یافته است. باید کاری کرد! این چیزی است که «زالو»، با نگاه انتقادی‌اش طلب می‌کند. زایان‌رو با اخلاقی‌کردن و فردی‌کردن ماجرا مخالفم و به نظرم این رویکرد ما را از نقدی کارآمد که به کار حیات اجتماعی بیاید دور می‌کند و به ورطه نوعی مواجهه شخصی با یک فرد و نه یک گفتار پهن‌دامن می‌اندازد. روی سخند در واقع با آن دسته از واکنش‌هایی است که شخص عباس کیارستمی را هدف قرار دادند. مثلاً جایی خواندم کسی نوشته بود که «بعد از تماشای زالو دیگر عباس کیارستمی را دوست ندارم» یا «دیگر فیلم‌های کیارستمی برایم ارزشمند نیستند». «زالو»، دست‌کم برای من، نقد بهمن کیارستمی به پدرش نیست که به دام این‌دست قضاوت‌های فردی بیفتم. بلکه «زالو» نقد جایگاه سوزگی یک روشنفکر ایرانی با شهرتی بین‌المللی است که هرچند اثری جدی و مهم در شکستن و فرآوری از مرم متصلب با استعمار حیات انسانی و اجتماعی می‌سازد، خود در زندگی‌اش بازتولیدکننده یکی از این فرم‌های ضد حیات اجتماعی، یعنی گفتار پدرسالارانه است. با این استدلال، هرچند اخلاق کانتی کیارستمی را متمم به این می‌کند که به آنچه باور داشتی عمل نکردی، اما کردار کیارستمی در زندگی‌اش هرچه باشد نقد اجتماعی او در آثارش را تحت‌تأثیر قرار نمی‌دهد.

زنان

تغییر زیر سایه نگرانی

این روزها اخبار متعددی درباره محدودیت‌های پیش‌آمده برای زنان در برخی نقاط جهان و به‌ویژه افغانستان شده است. از سوی دیگر در ایران نیز اخباری درباره جزئیات رفتاری در صداوسیما و دیگر نهادهای مطرح می‌شود ازجمله اینکه در آگهی تلویزیونی مرد نمی‌توانند به زن چای تعارف کند. عجیب‌تر آنکه در این میان تلاش‌های زنان در بخش‌های مختلف زیر سایه این اخبار قرار می‌گیرد. مثلاً راهیایی دختران فوتبالیست و هندبالیست به جام ملت‌های آسیا برای اولین بار که به جای ارج‌نهادن به تلاش آنها، زیر سایه اعتراضات برخی نمایندگان مجلس و دولت به لباسشان قرار گرفت. در کنار این اخبار، تحلیل‌های متعددی درباره روند رابطه دولت سیزدهم با زنان نیز انجام می‌شود. رسانه‌های عربی در یکی از آخرین تحلیل‌های خود با یکی از جامعه‌شناسان ایرانی دانشگاه هاروارد صحبت کرده که تلاش‌های زنان نسل دوم و سوم انقلاب را برای پیشبرد و تغییر نگرش به زنان ایرانی در جهان ارائه داده است. تفسیری متفاوت که در این عین حال بر مسائل سیاسی استوار است. در این تحلیل به تغییر شرایط منطقه اشاره شده که سرنوشت خاورمیانه در حال تغییر است. در این میان شاهد نسل جدیدی از زنان ایرانی هستیم که بسیاری از آنها نسل جوان تحصیل‌کرده و آشنا به رسانه هستند و تفکراتشان می‌تواند تغییرات جدیدی را در پی داشته باشد. این زنان مشتاق‌اند ایران را به کشوری مدرن تبدیل کنند که بتواند در تحولات جهانی و بین‌المللی حضور فعال داشته باشد و به جامعه بین‌المللی پیوندد و از انزوا و گوشه‌گیری پرهیز کند. زنان مصمم و با توانایی بالا که در سنین ۳۰ تا ۴۰سالگی هستند و خود را شایسته مسئولیت و هدایت می‌دانند و نسبت به عدم حضور در جایگاه شایسته خود در بسیاری از مراکز و نهادهای اعتراض دارند. هرچند رسانه‌های عربی درصددند تا به مقایسه بین شرایط زنان در ایران با شرایط زنان افغانستان بپردازند، مقایسه‌ای که از نظر عده‌ای قیاس‌نشدنی است، اما بسیاری از زنان ایران را نگران کرده است. طبق این تحلیل‌ها این زنان در هراس‌اند دولت جدید که به اصولگرایان نزدیک است، با کمک برخی چهره‌های شناخته‌شده خود و همراهی مجلس بتواند شرایطی را در راستای محدودیت زنان گسترش دهد.